

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۲۴

جمعه ۲۱ خرداد ۱۴۰۰ - ۱۱ ژوئن ۲۰۲۱

خودی‌های بیخودی!

سیاوش مدرسی

هرچه هست زیر سر این مردک قاتل بیسواد رئیسی دزد و مافیای تحت حاکمیتش است که میخواهد رئیس جمهور نظامی شود که همه میدانند که وظیفه‌اش گرم کردن بازار و کسب و کار صاحب منبر یعنی هسته سفت یا سخت (در این مورد بین علمای حوزه اختلاف نظر هست)، عمود خیمه، بیضه اسلام و اصلاً فصل الخطاب سد علی خامنه‌ایست!

گویا قرار است با طعنه زدن و تحقیر رئیسی جلا، آب پاکی بر پاکدامنی امثال محسن رضائی‌ها ریخته شود! با از زیر عبا در نیامدن رئیسی قرار است کل نظام مطلوب امثال روحانی‌ها و برادر رضایی‌ها شود! و عقربه زمان توقف نابودی کلیت نظام متوقف شود و امثال نگهدارها خوش به حالشان شود.

اما از منظر مردم که ۴۲ سال است که تک تک این اوباش را میشناسند، دستشان رو است. اینها کاربردست و چماقدار و بازجو و رئیس باند تبهکاری در این نظام هستند. مطلب از این قرار است که حتی دیگر کاربردستان نظام به نورچشمی‌های بازجو، مامورین تیر خلاص و طناب اعدامشان، سران مافیای و پاسدار و چماق‌کشان ۴۲ ساله‌شان هم اعتمادی ندارند!

تمام این وقایع در آسمانی



“من رعیت نیستم!”

مردم در ایران تریبون های خیابانی مضحکه انتخابات را بر سر حکومت خراب کرده اند.

#رای_بی_رای #رای_ما_سرنگونی

شماره صفحه:

در این شماره انترناسیونال:

- ۱ خودی‌های بیخودی! سیاوش مدرسی
- ۲، ۳ و ۴ هفت تپه، توطنه‌ها، چالش‌ها و سیاست اصولی. حمید تقوائی
- ۵ و ۶ نیشکر هفت تپه، یک سنگر مهم جنبش کارگری است. شهلا دانشفر
- ۶ قتل عام کم سابقه کودکان و مخفی کردن جسد آنها در یک گور جمعی. ناصر اصغری
- ۶ و ۷ مذاهب، کانون قتل و تجاوز. کاظم نیکخواه
- ۷ روزه داری - آزادی مذهب یا تبعیض علیه کودکان. کریم شاه محمدی
- ۸ و ۹ اندیشه و سیاست: خانواده و جایگاه و نقش آن در سیستم موجود. کاظم نیکخواه
- ۱۱ از مدیای اجتماعی حزب
- ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ اطلاعیه های حزب

آزادیخواهانه از اعماق هستند! خودی‌هایشان، بیخودی و تاریخ مصرفشان گذشته است! جامعه مشغول سینه صاف کردن و ورود به رزم نهایی ایست!

سرنگون باد حکومت تبهکار اسلامی در ایران، زنده باد قدرت شورها! زنده باد سوسیالیسم!

چپ که عزم جزم کرده است که اداره جامعه را خود بدست بگیرد و اداره شورایی جامعه خواست اولیه‌اش است!

امثال خامنه‌ای، احمدی‌نژاد و خاتمی و ریز و درشت کارگزاران و مشاطه‌گران سخیف و پست این نظام سینه به سینه‌ی جنبش چپ، سوسیالیستی و

بدون ستاره اتفاق نمی‌افتد این آرایش صفوف درهم ریخته و نامتحدشان است برای مقابله با جنبشی که از اعماق جامعه خواهان الغای بردگی مزدی! الغای زن ستیزی، کودک ستیزی، الغای دزدی، الغای حاکمیت مذهب و ضد کارگزاران انگل و مفت‌خورش است! جنبش سوسیالیستی و

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

هفت تپه: توطئه ها، چالش ها و سیاست اصولی این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



خلیل کیوان: پس از پیروزی کارگران هفت تپه در خلع بد از اسدیگی و برگزاری جشن این پیروزی، فشارها و توطئه ها و دسایس علیه آنها شروع شد؛ تهدیدهای جانی کارگران، قطع حبابه، عدم پرداخت دستمزد کارگران، خارج کردن اموال شرکت، صدور حکم علیه وکیل کارگران فرزانه زیلابی، از جمله این موارد است. در ادامه این وضعیت دو نماینده کارگران به اسامی خنیفر و چشمه خاور در ستاد انتخاباتی ابراهیم رئیسی حضور پیدا میکنند و بدنال آن به خنیفر و همراهان او در شوش حمله میشود که به ضرب و جرح آنها و بازداشت خنیفر منجر میشود. در عکس العمل به این موضوعات مباحث و پرسش هایی مطرح شده است. در مورد این موضوعات با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

حمید تقوایی، همه مسائلی که برشمردم بعد از اعلام خلع بد از اسدیگی و برپایی جشن از طرف کارگران شروع شد. آیا این دسیسه ها و توطئه ها علیه کارگران هفت تپه پس از پیروزی شان و جشنی که برپا کردند قابل پیش بینی بود؟ برخی به صراحت و بعضی با کنایه در باره آن پیروزی صحبت میکنند؛ به این معنی که پیروزی ای در کار نبود، جشن و سروری لازم نبود. مخالفین کارگران که جای خود دارد، حتی برخی از فعالین کارگری و چپ هم با کنایه از پیروزی و جشن و شورا و تشکل کارگران هفت تپه صحبت میکنند. در این باره چه صحبتی دارید؟

حمید تقوایی: به نظر من مبارزات هفت تپه که به خلع بد و جشن پیروزی کارگران منجر شد را باید کاملاً از پیامدهایش جدا کرد. منظورم البته این نیست که اینها به هم مربوط نیستند، این را توضیح خواهم داد، ولی نباید یکی را به حساب دیگری نوشت. هر اتفاقی برای هفت تپه بیفتد در این نباید تردیدی کرد که اعتصابات پیگیر کارگران هفت تپه و خلع بد از اسدیگی و طرح اداره شورائی یک دستاورد

کاملاً امر دیگری است. هفت تپه گفتمان و خواست اداره شورائی را در جامعه مطرح کرد و این امری رادیکال و کاملاً برحق و یک گام بزرگ به پیش برای جنبش کارگری ایران است.

بعنوان نکته آخر هم باید بر این تاکید کنم که نفس طرح خلع بد و موفقیت در این مبارزه یک دستاورد مهم برای جنبش کارگری است. چون مقدس ترین قانون و تابوی سرمایه داری مالکیت بر کارخانجات و وسائل تولید است. چه مالکیت خصوصی، چه دولتی و چه مالکیت خصولتی در ایران. کارگران هفت تپه این مقدس ترین اصل سرمایه داری را عملاً زیر سؤال بردند و این تابو را شکستند.

در هیچ جای دنیا از نظر دولت و طبقه سرمایه دار و فرهنگی که در جامعه اشاعه داده اند کارگر اصلاً حق ندارد علیه مالکیت سرمایه بایستد. در کشورهای غربی هیچ اتحادیه و سندیکائی حتی رادیکال ترین آنها به خود اجازه نمیدهد وارد این عرصه بشود. معمولاً در شرایط بحران عمیق حکومتها و در شرایط انقلابی این اتفاق می افتد و در ایران امروز شاهد این تحول هستیم. این امر فی النفسه این افق و چشم انداز را در برابر جنبش کارگری قرار میدهد که میتواند نفس مالکیت بر سرمایه را به چالش بکشد و نفی کند. این دستاورد قابل پس گرفتن نیست. تمام این تشبثات و دسیسه هائی که اشاره کردید هم دقیقاً بخاطر اهمیت و جایگاه این پیروزی هفت تپه است.

خلیل کیوان: مسئله انتخابات هم سایه اش را روی هفت تپه انداخته است. کارگران هفت تپه اعلام کرده اند مضحکه انتخابات ربطی به آنها ندارد و پاسخ آنها تجمع در مقابل فرمانداری علیه سه قوا و پیگیری خواسته هایشان است. اما یک بحث داغ حضور خنیفر و مسلم چشمه خاور در ستاد

ادامه در صفحه ۳

مستقر کرده اند. اما هیچکدام از این تلاشها نمیتواند نقش و جایگاه پیروزی هفت تپه را خدشه دار کند. اهمیت این پیروزی در اینست که اداره شورائی را به یک پرچم و یک گفتمان در جنبش کارگری و در کل جامعه تبدیل کرد.

جنبه دیگر اهمیت این دستاورد این بود که مساله فساد و دزدی باندهای مافیائی حاکم بر واحدهای تولیدی در ایران منحصر به هفت تپه نیست. وضعیت هفت تپه نمونه و داستان زندگی تقریباً همه کارخانجات و بخشهای تولیدی در جمهوری اسلامی است. کارگران هفت تپه به کل این سیستم ضربه زدند.

بعضی میگویند اتفاق عجیبی نیفتاده، هفت تپه از بخش خصوصی به بخش دولتی منتقل شده. به نظر من این تحریف و تنزل دادن مبارزه است. اولاً کارگران هفت تپه هیچوقت نگفته اند طرفدار بخش دولتی هستند. بلکه همیشه اعلام کرده اند که باید از اسدیگی و دارو دسته فاسدش خلع بد بشود و شرکت تحت نظارت یا کنترل شورائی کارگران باشد و در جشن پیروزی شان هم باز بر همین تاکید کردند. اینکه عملاً ممکن است دولت شرکت را در دست بگیرد یک مساله است و اینکه شعار و خواست و هدف اعلام شده کارگران اعتصابی چیست

مقابله کارگران فقط با دارو دسته اسدیگی در شرکت هفت تپه نبود، بلکه کارگران با یک باند مافیائی نیمه دولتی نیمه خصوصی، یا بقول خود حکومتی ها خصولتی، مواجه بودند مرکب از امام جمعه و فرماندار و دیگر مقامات محلی و سراسری و کابینه روحانی و قوه قضائیه و نمایندگان مجلس و غیره. حتی نیروهای انتظامی و پاسگاههای هفت تپه هم تحت نفوذ و کنترل باند اسدیگی بودند و هنوز هم هستند. کارگران حتی در طی اعتصابات و تجمعاتشان بارها نحوه مقابله و درگیری مشخص با هر یک از این عوامل را بیان کرده اند و به مردم گزارش داده اند. کارگران هفت تپه فقط بر یک فرد پیروز نشدند بلکه پشت یک مافیای اقتصادی نیمه دولتی نیمه خصوصی و کل دولت حامی آن را به خاک مالیدند.

ما همیشه گفته ایم که در ایران تنها سرمایه دار با کارگر طرف نیست بلکه با کوچکترین اعتراض کارگر کل دستگاه سرکوب دولتی به میدان می آید. در ایران اولاً سرمایه دار خصوصی به معنی رایج کلمه نداریم، حتی بخش خصوصی هم با هزار بند به دولت وصل است و ثانیاً حتی آنجا هم که کاملاً در دست بخش خصوصی است دولت مستقیماً در مقابله با کارگران فعال است. با گارد ویژه و اداره حراست و شوراها و اسلامی و نیروهای انتظامی که به عنوان نمونه همین امروز در ورزشگاه شرکت هفت تپه

مهم و غیر قابل برگشت برای نه تنها کارگران نیشکر هفت تپه بلکه برای کل طبقه کارگر ایران است. واضح است که در مقابل هر مبارزه و اعتصاب کارگری کارفرما و دولت طبقه سرمایه دار بیکار نمی نشیند. بخصوص اگر کارگران پیشروی و دستاوردی داشته باشند تلاشهای سرمایه داران و عواملشان شروع میشود برای اینکه این دستاوردها را پس بگیرند، یا بر آنها خاک بپاشند و کم ارزش و بی اهمیت جلوه بدهند؛ برای آنکه پیروزی را انکار کنند و اینطور جلوه بدهند که همه چیز تحت کنترل دولت و کارفرما است و کارگران را عقب برانند.

به این معنی فشارها و توطئه هائی که به آن اشاره کردید قابل پیش بینی بود. همه جا طبقه سرمایه دار در برابر هر پیشروی کارگری عکس العمل نشان میدهد و سعی میکند مبارزه و دستاورد کارگران را تخطئه کند و حتی کارگران را به موقعیتی ضعیف تر از قبل از آغاز اعتصاب عقب بنشانند. در هفت تپه دولت و عوامل اسدیگی دقیقاً مشغول همین کار هستند. منتهی اهمیت مبارزات هفت تپه و پیروزی کارگران اینست که برای اولین بار در جنبش کارگری ایران اعتصابات پیاپی ۴ ساله کارگران به یک خواست اساسی اش یعنی خلع بد از کارفرما میرسد. این خلع بد هم فقط از یک فرد نیست. اسدیگی یک فرد نبود، حتی

ادامه از صفحه ۲



رئیس‌ی است. این موضوع بعضا وسیله ای برای به زیر سوال بردن اعتراضات کارگران هفت تپه شده است. پاسخ شما به این موضوع چیست و با توجه به این مباحث انتظار شما در برخورد به این مساله از کارگران نیشکر هفت تپه چیست؟ حضور دو تن از نمایندگان کارگران یعنی خنیفر و چشمه خاور در ستاد ابراهیم رئیس‌ی با واکنش تند بسیاری روبرو شد. این اقدام نه فقط از نظر کارگران که از نظر کل جامعه هم عملی ناخوشدونی است. چه ارزیابی از این اقدام دارید؟

حمید تقوائی: به نظر من مردم و کارگران کاملا حق دارند شرکت چند نفر از نمایندگان کارگری در مضحکه انتخاباتی حکومت را محکوم کنند و در برابرش بایستند. و خوشبختانه خود کارگران هفت تپه در قبال این مسئله موضع درستی گرفتند و همانطور که اشاره کردید اعلام کردند که تا آنجا که به مساله انتخابات مربوط میشود علیه سه قوه در مقابل فرمانداری تجمع خواهند کرد و پیگیر خواسته هایشان خواهند شد. این موضع کارگران هفت تپه است. بنابراین اقدام کسانی مثل خنیفر و چشمه خاور را نباید به حساب کارگران هفت تپه گذاشت. این اقدام ناخوشدونی است و اولین ضررش اینست که همین مبارزات و پیشروهای کارگران هفت تپه را مخدوش می کند و زیر سؤال میبرد. و حتی این را هم در نظر نگیریم، در جامعه ای که مردم در یک سطح بیسابقه ای علیه مضحکه انتخاباتی به میدان آمده اند و بسیاری از فعالین اعلام کرده اند رای من سرنگونی است این اقدام دو فعال جنبش کارگری خاک پاشیدن در چشم نه فقط کارگران بلکه کل مردم است و مردم این را نمی بخشند. تا آنجا که به خود هفت تپه مربوط میشود باید خیلی روشن شوای هفت تپه و یا مجمع نمایندگان هفت تپه این اقدام را صریح و قاطع محکوم کند. و اعلام کند این افراد هفت تپه را نمایندگی نمیکنند. موضع گیری سارشارنه این

خنیفر و همراهانش در شوش حمله شده است. او شکایت میکند. اما عجیب این است که خودش بازداشت میشود. آیا حمله به خنیفر به واسطه حضور او در ستاد رئیس‌ی است یا مساله چیز دیگری است؟ به نظر میرسد این موضوع پشت پرده هائی داشته باشد. مسئله چیست و چه دست هائی پشت پرده این حمله است؟

حمید تقوائی: این حمله بر متن شرایطی شکل گرفت که خنیفر و دوستانش ایجاد کرده بودند ولی به نظر من حمله از جانب کارگران و یا مردم معترض به مضحکه انتخاباتی نبود و یا لاف‌لرزان اصلی و تحریک کننده اش از مردم عادی نبودند. آنطور که در گزارشات آمده کسانی که با چاقو حمله کرده اند از ایدای مستقیم اسدیگی بوده اند. و در پاسگاهی هم که خنیفر را دستگیر کرده است دارودسته اسدیگی نفوذ داشته اند. نفس اینکه کسی چاقو میخورد و به پاسگاه شکایت میبرد و بعد خود او را بازداشت میکنند نشان میدهد که داستان از چه قرار است. این نشان میدهد که داستان به سادگی این

نیست که چون خنیفر در ستاد رئیس‌ی شرکت کرده است عده ای از مردم و یا کارگران خشمگین به او حمله کرده اند. ممکن است این عصبانیت و خشم وجود داشته باشد و همانطور که گفتیم کاملا هم به حق و قابل فهم است ولی اینجا با سوء استفاده عوامل دولت و کارفرما از این جو روبرو هستیم. دست ایدای اسدیگی کاملا در این حمله مشهود است.

خلیل کیوان: این شرکت در ستاد رئیس‌ی آیا مجوزی هست که به خنیفر حمله کنند و خودش را هم دستگیر کنند؟

حمید تقوائی: واضح است که حمله به فعالین کارگری با هیچ بهانه و محملی مجاز نیست و باید در برابر این هم صریح و قاطع ایستاد و این عمل را محکوم کرد. این شیوه ها البته امر تازه ای نیست. در تمام این چند سال اعتصابات، کارگران با همین نوع مسائل روبرو بوده اند. امروز هم به دنبال جشن پیروزی، همانطور که در مقدمه گفتید، کارگران تهدید جانی شده اند، برایشان خط و نشان کشیده اند، نیروهای

انتظامی را در محوطه ورزشی شرکت مستقر کرده اند و غیره. روشن است که اسد بیگی و دارو دسته مافیائی اش به این سادگی شکست را نمی پذیرد و خانه نشین نمیشود. اعمال انواع فشارها و دسیسه ها علیه کارگران در جریان است. دستمزدهایشان را گرو گرفته اند تا حدی که مساله معیشتی و گرسنگی به یک امر عاجل و مبرم کارگران تبدیل شده، از طرف دیگر حق آبه را قطع کردند برای اینکه کشت نیشکر متوقف شود و اینطور نشان بدهند که با رفتن اسدیگی شرکت هفت تپه با مشکل و بحران روبرو شده است و ده ها اقدام دیگر از این قبیل.

همه اینها همانطور که ابتدا اشاره کردم عکس العمل سرمایه داران و دولتشان نسبت به یک پیشروی کارگران است. در این عکس العمل مستقیما دارو دسته اسدیگی دست دارند. مشخصا در قضیه ضرب و شتم و بازداشت خنیفر. باید این دو موضع را از هم جدا کرد. در عین اینکه ما ایجاد هر

ادامه از صفحه ۳

نوع توهمی به هر کاندیدا و کل مضحکه انتخاباتی حکومت را محکوم میکنیم ولی به هیچ وجه نباید اجازه داد تا این امر به محملی برای توطئه ها و اعمال فشارهای جمهوری اسلامی علیه کارگران هفت تپه تبدیل شود. نباید اجازه داد یک اقدام اشتباه عده معدودی فعال کارگری به تشدید و توجیه این اعمال فشارها منجر بشود. جمهوری اسلامی به دلیل اینکه خنیفر در ستاد رئیسی عضو شده نیست که او را مورد ضرب و شتم قرار میدهد و بازداشتش میکند، او دارد زهر چشم میگیرد. دارد ارباب میکند. دارد تفرقه می اندازد. منتهی این سیاست همیشگی اش را این بار به این بهانه که تقصیر خود کارگرانی است که به ستاد رئیسی رفته اند پیش میبرد. باید اینها را از هم تفکیک کرد و خیلی هوشیار بود و به هیچ وجه نباید به دارو دسته اسدیگی و همه مقاماتی که همیشه علیه کارگران هفت تپه بوده اند کمترین امتیاز و تخفیفی داد.

خلیل کیوان: اشاره کردید که همه این توطئه ها و دسایس قابل پیش بینی بود. با توجه به تجارب تا کنونی و شناختی که از سیاست های ضد انسانی و ضد کارگری جمهوری اسلامی وجود دارد کمابیش همه منتظر بودند اسدیگی و حکومت مقابل کارگران بایستند. سؤال اینست: کارگران چطور می توانستند و اکنون چطور باید در برابر این اعمال فشارها

مقاومت کنند و از موجودیت هفت تپه و پیرویشان دفاع کنند؟

حمید تقوایی: به چند نکته میشود اشاره کرد. اولین و مهمترین نکته این است که هفت تپه باید شورای خودش را اعلام کند. باید ارگان و نهادهای که رو به جامعه کارگران نیشکر هفت تپه را نمایندگی میکند با اسم و رسم و حتی نام اعضایش معرفی و شناخته شده باشد. جنبش کارگری ایران مدتهاست این طور کار میکند. نهادها و کمیته های متعددی از فعالین کارگری وجود دارد، اعلام موجودیت کرده اند و فعالیت میکنند و موضع میگیرند. در مورد هفت تپه هم باید این اتفاق بیفتد. این شرط لازم دفاع از دستاوردهای کارگران است. وگرنه هر کارگری یا هر جمعی از کارگران هفت تپه با هر گرایشی ممکن است موضعی بگیرد و اقدامی بکند که به حساب همه گذاشته بشود. عده ای امروز مشغول همین کار هستند. باید یک نهاد شناخته شده و با اتوریته اعلام کند امثال خنیفر و یا چشمه خاور کارگران هفت تپه را نمایندگی نمیکنند. شورای واقعی هفت تپه ما هستیم که این اطلاعیه را میدهیم. الان متأسفانه چنین نهادی حضور ندارد. از اداره شورائی و نظارت شورائی صحبت میکنند ولی خود آن شورا، در هر شکلی که میتواند امروز به خود بگیرد، تشکیل نشده و اعلام موجودیت نکرده است. این ضعف اساسی را باید

برطرف کرد. حتی اگر امکان رجوع به رای همه کارگران نیست میتوانند با اتکا به اعتماد کارگران - این بحثی است که خود رهبران هفت تپه مطرح کردند - جمعی تشکیل بدهند و اعلام کنند این افراد عضو شورای هفت تپه - و یا جمع پایه گذاری شورا یا هر عنوان دیگری - هستند.

ضرورت این امر هم فقط از انتخابات و مسائل اخیر ناشی نمیشود. کلا در برخورد به مسائلی که کارگران هفت تپه با آن روبرو هستند، مثل مساله حقاچه و نپرداختن دستمزدها و غیره، باید یک نهادی قد علم کند.

من فکر نمیکنم اینجا مساله امنیتی مطرح باشد. چون حکومت و دستگاههای سرکوب همه فعالین هفت تپه را بخوبی میشناسند؛ میدانند آنها چه موضعی دارند و مشغول چه اقداماتی هستند. اعلام علنی تشکلی از این فعالین امنیت آنها را حتی بیشتر خواهد کرد. خودداری از این امر فقط به نفع کارفرما و حکومت تمام میشود. میتوانند در خفا بگیرند و ببندند و بعد هم بدنبال پیش آمدن هر نوع مسئله ای نظیر شرکت کارگران معدودی در انتخابات تلاش کنند صفوف کارگران را به هم بریزند و امر خود را به پیش ببرند. باید نهاد کارگری علنی معتبر و شناخته شده ای وجود داشته باشد که مقابل این تشبثات بایستد. فعالین و رهبران با اتوریته و

معتبر در میان کارگران فی الحال وجود و حضور دارند. همین افراد میتوانند شورا و یا نهادی از جنس شورا تشکیل بدهند و کارگران هفت تپه را نمایندگی کنند.

به نظر من این ضعف اساسی هفت تپه است. امیدوارم هر چه زودتر کارگران نیشکر هفت تپه نهادی که آنها را نمایندگی میکند به جامعه معرفی کنند تا بتواند با موفقیت در برابر تشبثات و توطئه های کارفرما دولت بایستند.

نکته دوم اینست که باید توطئه های حکومت صریحا افشا و محکوم شود و وقتی اتفاقی نظیر شرکت کارگران در مضحکه انتخاباتی حکومت رخ میدهد باید خیلی قاطع مقابلش ایستاد. نباید این ملاحظه را داشت که خنیفر هم بالاخره یک فعال کارگری است. این درست است او یک فعال با سابقه است و به این خاطر اخراج شده و خودش دستگیر شده است. ولی این نباید باعث شود ما در محکوم کردن حرکتش تخفیفی بدهیم. به خودش قبل از هر چیز و به طرفدارانش باید نشان داده شود که این ضربه ای به خود کارگران است. ضربه به هفت تپه است. ضربه به مردم سرنگونی طلب در ایران است. اگر ارگانی که از آن صحبت کردم وجود میداشت میتوانست خیلی سریع همین موضع را بگیرد و اعلام کند ولی حتی در غیاب چنین ارگانی هم باید همین امروز

چهره های هفت تپه جلو بیایند و در مدیای اجتماعی و رو بجامعه این را قاطعانه محکوم کنند و اجازه ندهند این حرکت بیای همه کارگران نیشکر هفت تپه نوشته شود و یا از اهمیت مبارزات و دستاوردهای آنان بکاهد.

بالاخره نکته سوم اینکه باید توطئه های حکومت را افشا کرد و نباید اجازه داد به هیچ وجه در صفوف کارگران تفرقه بیفتد. که در این مورد خوشبختانه کارگران هفت تپه خوب عمل کرده اند و تا کنون این توطئه ها را افشا کرده اند. ولی باید توجه داشت که بخصوص این قضیه رئیسی و انتخابات این پتانسیل را دارد و بالقوه این امکان را به عوامل اسدیگی و حکومت میدهد که بین کارگران تفرقه بی اندازند. باید فعالین هفت تپه نماینده وحدت همه کارگران بر سر خواسته های برحقشان باشند. برای پیشبرد این امر نیز اعلام موجودیت ارگان نماینده کارگران هفت تپه ضروری است. بخصوص اگر بخواهیم به اداره شورائی و نظارت شورائی در هفت تپه نزدیک بشویم، باید ارگان واقعی نماینده کارگران اعلام موجودیت کند و در برابر اعمال فشارها و دسیسه های حکومتی قاطعانه بایستد.

۹ ژوئن ۲۱

کارگران هفت تپه در مقابل مضحکه انتخابات حکومتی اعلام کردند:

”برنامه انتخاباتی پیشنهادی ما بدین شرح است: تجمع در درون شهر و

برگزاری تجمعات اعتراضی در اعتراض به هر سه قوه و خواهان هر چه

سریعتر اختصاص آب برای کشت و جلوگیری از نابود کردن هفت تپه.“

نیشکر هفت تپه یک سنگر مهر جنبش کارگری است نکته ای در حاشیه پیام عثمان اسماعیلی و محمود صالحی از زندان



شهلا دانشفر

عثمان اسماعیلی و محمود صالحی از فعالین کارگری طی پیامی از زندان خطاب به کارگران و مردم از کارگران نیشکر هفت تپه خواسته اند که در قبال شرکت کسانی چون خنیفر و مسلم چشمه خاور در ستاد رئیسی پاسخگو شوند و عکس العمل نشان دهند. این نکته درستی است و من نیز در نوشته ای تحت عنوان "صف خود را با مامشات گران حکومت جدا کنید" به همین نکته اشاره کردم و گفتم که مردم حق دارند از شما پاسخ بخواهند و بعنوان نمونه از نامه این دوستان مثال آوردم. اما انتظار درست این دو فعال کارگری در متن و جهت گیری ای مطرح شده که کلا نادرست است. نیش و کنایه زدن های متعدد به اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و خواسته های و شعارهای آنها در این پیام، بیانگر دفاع این دوستان از گرایش است که جایگاه و اهمیت مبارزات و اعتصابات و خواسته های کارگران نیشکر هفت تپه را متوجه نیست و آن را کوچک جلوه میدهد.

به عبارت روشنتر من در عین حال که فراخوان این دوستان به پاسخگو بودن کارگران نیشکر هفت تپه در مورد شرکت خنیفر و چشمه خاور در تبلیغات و فعالیت های جناح های حکومتی را درست میدانم، اما با جهت گیری نامه آنها در برخورد به مبارزات شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه و دستاوردهایش، از جمله شورای هفت تپه و مساله خلع ید و تلقی از مبارزات هفت تپه که بقول آنها "گویا بیرق پیشروی جنبش کارگری را بر دوش گرفته" موافق نیستم و

نظرات کاملا متفاوتی دارم و این گونه رویکرد نسبت به یک مبارزه شکوهمند کارگری را به ضرر جنبش کارگری میدانم. از نظر من اولین انتظار از یک فعال جنبش کارگری اینست که جایگاه مبارزات طبقه خود را ببیند و از آن محکم و بدون ابهام دفاع کند. نه اینکه با "به اصطلاح" و "گویا" و ابهام پراکنی آن را تضعیف نماید. انتظار این بود و اینست که این دوستان منتقد گرایشاتی باشند که جایگاه مهم هفت تپه را در جنبش کارگری و در جامعه نمی بینند. نه اینکه خود از همان منظر در شرایط سختی که پیش آمده به مبارزه کارگران تکه پراکنی کنند.

این دوستان در نوشته شان در چندین جا از واژه "به اصطلاح شورای هفت تپه" استفاده میکنند. و اتفاقا این ندید گرفتن یکی از دستاوردهای مهم تاریخی مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه است. هفت تپه تا همینجا دستاوردهای عظیمی برای طبقه کارگر و جنبش کارگری و آزادیخواهی داشته است. هفت تپه تا همینجا تأثیرات مثبتش بر جامعه و جنبش کارگری از تأثیر و نقش بسیاری از مدعیان دفاع از کارگر و شورا بیشتر و تعیین کننده تر بوده است. از جمله فراموش نمیشود روزی که جمعیت بزرگی از کارگران نیشکر هفت تپه جمع شده بودند و شماری از مردم نیز در کنارشان بودند، اسماعیل بخشی شعار "نان، کار، آزادی اداره شورایی" را سر داد و با تکرار آن صدای آزادی خواهی بر فضای خیابانهای شهر شوش طنین انداخت. بعد هم بارها این شعار را در تجمعات کارگران، معلمان، و بازنشستگان و دانشجویان در دست نوشته هایشان و در اعلام همبستگی هایشان با کارگران نیشکر هفت تپه شاهد بودیم. اقدامی که با خود گفتمان اداره شورایی را به جلوی صحنه سیاسی جامعه آورد. این اتفاقات افتاده است و اکنون نمی دانم چگونه یک فعال کارگری به سادگی چنین اتفاق شورانگیزی را میتواند به

فراموشی بسپارد. بعلاوه این مهم است و آن را باید دید که شعار اداره شورایی به حرکت و اقدام مشخص کارگران نیشکر هفت تپه تبدیل شد. چطور که دیدیم کارگران نیشکر هفت تپه بعد از اینکه حکومت به کارگران حمله کرد و اعضای مجمع نمایندگان منتخب آنها را دستگیر و زندانی کرد، در خرداد سال ۹۹ دوباره با قدرت به میدان آمدند و اعلام کردند که ما شورایی تصمیم میگیریم. و در طول اعتراضاتشان همین کار را کردند و نمایندگان خود را انتخاب کردند و شورایی عمل کردند و پرچم شوراها را در مقابل شورای اسلامی دست ساز حکومتی برافراشته نگاهداشتند و اتفاقا یک رمز مهم موفقیت این کارگران در مبارزاتشان همین حرکت بود. بنابراین از دوستانی که خود را مدافع جنبش شورایی میدانند انتظار می رود که این دستاوردها را پیشروی خود بدانند و با تمام قوا از آنها حفاظت و پشتیبانی کنند. البته این را هم اضافه کنم که یاد کردن از شورای نیشکر هفت تپه با یک پیشوند "به اصطلاح" و به اینگونه زیر سوال بردن آن محدود به این دوستان نیست بلکه گرایش معینی در جنبش کارگری است که بطور واقعی از پیشروی هایی که در نیشکر هفت تپه شاهدش هستیم و قدمهای عملی ای که در راستای ایجاد شورا در آنجا برداشته شده و راه عملی در مقابل همه کارگران قرار داده است، عقب است. از این زاویه نیز پرداختن به چنین نقطه نظرانی حائز اهمیت است. باید پیشروی ها را دید تا با اتکا به آنها گام های بعدی خود را استوار به جلو برداریم.

نکته دیگر که باز در نوشته دوستان محمود صالحی و عثمان اسماعیلی خطاست یکی قلمداد کردن خلع ید با دولتی کردن است. گویی کارگران نیشکر هفت تپه دنبال دولتی کردن بوده اند. این دوستان نمی بینند که اینجا مساله بر سر جدال کارگران با کارفرمای سرکوبگر و دزد و چپاولگری است که اتفاقا از مافیای بخش

خصوصی است. در برابر این کارفرما کارگران کل مالکیت او را مورد تعرض قرار میدهند و موفق میشوند. این برای شما مهم نیست؟ این یعنی دولتی کردن؟! بارها و بارها این کارگران اعلام کرده اند که ما خواهان خلع ید از بخش خصوصی و نظارت کارگران بر اداره کارخانه هستیم.

بحث بر سر خلع ید از مالکیت باند مافیایی اسدیبگی بوده است. کارگر در این مبارزه مالکیت خصوصی را مورد تعرض قرار داده است. مالکیت نیز یکی از مقدمات سرمایه داری است. بطور واقعی هم اگر به وضعیت این شرکت نگاه کنید باید از مافیای اسدیبگی که سر آن به بخشی از حکومت وصل بود، خلع ید میشد تا کارگران بتوانند پیگیر دیگر مطالباتشان شوند و همانطور که خود این کارگران هم اعلام کردند این پیروزی اولین گام برای آنها برای پیگیری دیگر خواسته هایشان است. بعلاوه کارگران نیشکر هفت تپه نیز خود روشن و شفاف در بیانیه هایشان بارها اعلام کرده اند نباید شرکت هفت تپه به هیچ بخش خصوصی، نیمه خصوصی، یا نیمه دولتی و به نهادی نظامی - نیمه نظامی و یا به موسسه و بورس و غیره واگذار شود. آیا محمود صالحی و اسماعیلی این تأکیدات را نشنیده اند یا آنها را نشنیده گرفته اند؟ بنظر من اتفاقا قدم مهم بعدی کارگران نیشکر هفت تپه تحمیل اداره و یا نظارت شورایی بر حکومت، اعلام علنی و ورسمی نمایندگان منتخب خود یعنی شورای واقعی شان است. به نظر من کارگران نیشکر هفت تپه با ادامه مبارزات متحدانه خود و رسمیت بخشیدن به شورای منتخب خود همانطور که موفق شدند از باند مافیایی اسدیبگی خلع ید کنند خواهند توانست دیگر مطالبات خود را بر حکومتیان تحمیل کنند. و با این کار خود الگوی درخشانی از اداره شورایی را به نمایش بگذارند.

در هر حال حرف من اینست

که دوستان حساب مبارزات درخشان کارگران نیشکر هفت تپه را نباید با تشبثات حکومتیان برای مخدوش کردن مبارزات قهرمانه این کارگران و استفاده از اعتبار هفت تپه و افرادی چون خنیفر برای داغ کردن تنور انتخاباتشان یکی گرفت. در هفت تپه هم مثل همه جای دیگر گرایشات راست و چپ و خوب و بد، و پیشرو و عقب مانده وجود دارد. و حکومت تلاش دارد با سوار شدن بر گرایشات عقب مانده کل دستاوردهای مبارزات کارگران را عقب براند. نباید بگذاریم این توطئه گری ها ذره ای بر عظمت مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه سایه بیندازد. باید بدانیم که اتفاقا این همان هدفی است که در این ماجراها حکومتیان دارند دنبال میکنند. حکومت میکوشد از این طریق در صفوف کارگران نیشکر هفت تپه تفرقه ایجاد کند. میکوشد فضا را امنیتی کند. می کوشد با خدشه وارد کردن به مبارزات کارگران هفت تپه پشتیبانی های مردمی آنها درست در زمانی که این کارگران زیر بیشترین تعرضات قرار دارند و به حمایت وسیع ما مردم نیاز دارند را ضعیف کند و ما نباید اجازه دهیم. ما مسئولیم و نباید بگذاریم سیاستهای توطئه گرانه حکومتیان و باند مافیای اسدیبگی ذره ای بر روی دستاوردهای ارزنده کارگران نیشکر هفت تپه که بدرست خود بر روی آن پایتخت اعضاات جهان نام گذاشته اند سایه بیندازد. انتظار از فعالین کارگری و تمام مخالفین حکومت اسلامی این است که محکم کنار کارگران نیشکر هفت تپه بایستند و نه اینکه برعکس عمل کنند.

از نظر من مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه یک شاهکار تاریخی و مهم جنبش کارگری است. از نظر من پیروزی نیشکر هفت تپه در خلع ید از اسدیبگی و باند مافیایی او یک پیروزی مهم برای آنها و همه کارگران است. و همانطور که

ادامه از صفحه ۵

قتل عام کم سابقه کودکان و مخفی کردن جسد آنها در یک گور جمعی

مذاهب: کانون قتل و تجاوز

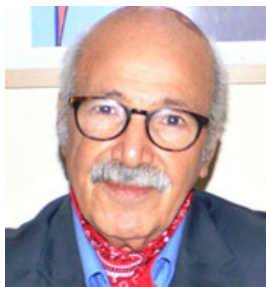
خود کارگران در جشن پیروزی شان اعلام کردند این پیروزی نه نتیجه رفت این بخش و آن بخش حکومت بلکه ثمره ۵ سال مبارزه بی وقفه و متحدانه این کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه با مبارزاتشان کل ساختار سیاسی - اقتصادی حاکم را که اساسی بر چپاول و دزدی استوار است به چالش کشیدند و بدینگونه به صدای اعتراض کارگر فولاد، هپکو، کارگران معادن، معلمان، بازنشستگان و همه بخش های جامعه که هر روزه صدای اعتراضشان علیه این بساط چپاولگری مافیایی بلند است، تبدیل شدند. کارگران نیشکر هفت تپه توانستند در مبارزاتشان یک شهر را به حمایت از خود در آوردند و کارگر تا معلم و بازنشسته و دانشجو به حمایت از آن برخاستند و شعار فرزند کارگرانیم کنارتان می مانیم در دانشگاه ها طنین انداز شد. با این مبارزات شعار نان، کار، آزادی به شعار تجمعات اعتراضی بخش های مختلف کارگری تبدیل شد. این کارگران در کوران مبارزاتشان نبرد سختی با دم و دستگاه سرکوب حکومت را به پیش بردند و علیه شکنجه و زندان قد علم کردند. این کارگران آلترونا تیبو شورایی را در مقابل کل جامعه قرار دادند و اینها همه لحظات درخشان مبارزات این کارگران در راس مبارزات کل جامعه بوده است..

آخرین کلام اینکه مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه در مقطع حساسی قرار گرفته است. وضعیت در این شرکت بشدت اضطراری است. تبدیل شدن کسانی از کارگران به عامل تبلیغات جناح های حکومتی که گام اول در توطئه های بعدی است را باید محکوم کرد و در مقابله با این توطئه گری ها از کارگران و فعالین رزمنده نیشکر هفت تپه فعالانه حمایت و پشتیبانی کرد. باید به مبارزات این کارگران ارج گذاشت و از این سنگر مهم جنبش کارگری با قدرت حفاظت و پشتیبانی کرد. همانطور که اشاره کردم این حداقل انتظاری است که از هر فعال کارگری و هر فعال دفاع از حقوق انسانی در این جامعه می رود.



ناصر اصغری

در هفته های آخر ماه مه ۲۰۲۱، در شهرستان کامپوس در غرب کانادا، در یک گور دسته جمعی باقیمانده بیش از ۲۱۵ جنازه از کودکان بومی ها که بعضی ها فقط ۳ سال سن داشتند پیدا شد. داستان غم انگیز این کودکان و هزاران تن دیگر از این قرار بود که دولت های وقت کانادا با باز گذاشتن دست کلیسای کاتولیک و کمک شایان بی دریغ به آن، این کودکان را از والدینشان به زور جدا می کردند و به مدارسی تحت نظارت کشیشان و راهبه های آن کلیسا، بعضا هزاران کیلومتر دور از والدینشان می فرستادند. توجیه شان در این طرح کودک کش این بود که بومی ها وحشی هستند و دولت با این طرح می خواست این کودکان را در مدارس انگلیسی و فرانسوی زبان و فرهنگ کانادایی آموزش دهد که با جامعه کانادا انترگره شوند. تخمین زده می شود که در طول مدتی که این مدارس کودکان را به شدیدترین نحوی شکنجه کردند، از این ۳ و ۴ و ۵ ساله ها به کیفیت ترین شیوه ها سوءاستفاده جنسی می کردند، و از محبت پدر و مادر محروم می کردند. بیش از ۱۵۰ هزار کودک را از آغوش و محبت والدین کنده و روانه این شکنجه گاهها که نام "مدارس شبانه روزی بومیان کانادا" را بر خود داشت، کردند. در یک گزارش رسمی در سال ۲۰۱۵ از جانب هیئتی برای بررسی "مدارس شبانه ..." آمده است که بیش از ۶۰۰۰ تن از این ۱۵۰ هزار کودک جانانشان را در این مدارس از دست داده اند. هزاران تن از این کودکان، برای بازگشت به آغوش والدینشان دست به فرار می زدند و در سرمای سوزان کانادا طعمه حیوانات گرسنه وحشی می شدند. شنیدن خاطرات تلخ بعضی از کسانی که جان سالم



کازم نیکخواه

از این قتلگاهها بدر بردند، باران اشک از چشمان شنوده جاری می کند! تاثیر این طرح در میان بومیان کانادا به معنای واقعی کلمه ویرانگر بوده. رد پای این سیستم و طرح آشکارا راسیستی و نسل کشی، که آخرین مدرسه آن در سال ۱۹۹۶ بسته شد را در رفتار هر تک کانادایی بومی الاصل می توان آشکارا دید. اعتیاد، افسردگی، خودکشی و امثالهم در میان این بخش از جامعه بیداد می کند.

نخست وزیر کانادا، جاستین ترودو، گفته است که کلیسا باید جوابگو باشد. اما کلیسا فعلا که سکوت کرده و فقط گفته است که شوکه شده است. این را هم البته دروغ می گویند. برای اینکه همین کلیسا فقط در کانادا هزاران پرونده جنائی کودک آزاری و سوءاستفاده جنسی از زنان و کودکان در پرونده اش دارد و بندرت پیش می آید یک عذرخواهی علنی از جامعه بکند. در اکثر قریب به اتفاق موارد با تطمیع خانواده ها و باج دادن به شاکیان، جنایاتش را زیر فرش می کنند که صدای اعتراض به یکه تازی این نهاد تحمیق و آدمکشی رسانتر و وسیع تر نشود. جاستین ترودو و دولت کانادا هم، گرچه یاد آور شده اند که این گور دسته جمعی یاد آور فصل تاریکی از تاریخ این کشور است، اما با قیام شدن پشت اینکه این جنایت توسط کلیسا صورت گرفته، می خواهد خودشان و سیستم ردل راسیست و سود محورشان را از زیر ضرب خارج کنند. کلیساها در همین کانادا، هم اکنون هم دستشان در کودک آزاری و مدیریت مدارس کاتولیک کاملاً باز است. دولت های مختلف از دو حزب محافظه کار و لیبرال که هر کدام یک دوره ای قدرت را به دست می گیرند، نسبت به اعتراضات مکرر به دخالت کلیسا در امور آموزش کودکان بی اعتنائی کرده اند. طرح "مدارس شبانه روزی بومیان کانادا" طرحی دولتی بود و دولت افراد مهمی را، که بعدا بناهای یادبود برایشان برپا کردند و نامشان را بر دانشگاه و موسساتی نهادند، شریک مستقیم این قتل عام و کودک کشی بی سابقه اند.

اما در کانادا مساله تکان دهنده تر است. یک گور جمعی در مدرسه کامپوس متعلق به کلیسا کشف شده که اجساد ۲۱۵ کودک در آن قرار دارد. مغز انسان سوت میکشد. در کانادا تا اواخر همین قرن پیش کودکان را از بومی های این کشور جدا کرده و به مدرسه کاتولیک تحویل می دادند که نتوانند به زبان بومی حرف بزنند و آنجا

هر بلایی سرشان می آوردند و این روندی عادی بوده است. مدرسه شبانه روزی کامپوس در سال ۱۸۹۰ توسط کلیسای کاتولیک تأسیس و در سال ۱۹۷۸ تعطیل شد. این مدرسه با هدف دور کردن کودکان بومی از خانه و جوامع شان و ممنوع کردن صحبت به زبان های مادری یا انجام اقدامات "فرهنگی خاص" تأسیس شد. گزارش های متعددی از سوء استفاده های جسمی، عاطفی و جنسی، در چنین نهادهایی منتشر شده است. تاریخ بشر براستی خونبار و تکان دهنده است و حتی بچه های کوچک از آن در امان نبوده اند و نیستند. این برای بشریت براستی بسیار شرم آور است. مذاهب که ستون ارتجاع حاکم در دوران برده داری و فئودالیسم و سرمایه داری بوده اند بیشترین ظلم و جور و تجاوز را به کودکان روا داشته اند.

آیا مذهبی را سراغ دارید که کارنامه ای این چنین فجیع و تکان دهنده در پرونده خود نداشته باشد؟ اسلام و مسجد و آخوند و امثال سعید طوسی را که یک نمونه تیبیک متاخر است ما خوب میشناسیم. و افشاگری لازم ندارد. کلیسای کاتولیک هم که مخزن تجاوزات به کودکان در کشورهای مختلف است و هر روز گوشه ای افشا میشود. مذاهب دیگر هم دست کمی از اینها ندارند.

مذاهب راه جنایت را با طلب عفو از خدا بعد از جنایت، برای همه جنایتکاران و تجاوزگران و دزدان و قاتلین هموار کرده اند. آخوند و کشیش و خاخامها و پیروانشان دست به هر کثافت کاری ای میزنند و بعد با یک نذر و طلب عفو از خدا و چهار بار دولا راست شدن خیالشان راحت میشود و بخشیده! میشوند. در ایران که اسلام در حکومت است و می دزدند و جنایت میکنند و تجاوز میکنند و قانون و

روزه داری - آزادی مذهب یا تبعیض علیه کودکان؟ پاسخ به خانم ولی غانم



کریم شاه محمدی

کنوناسیون حقوق کودکان در باره آزادی مذهب نادقیق، گنگ و مبهم است. می تواند تعابیر متفاوت داشته باشد و در این میان کودکان بی تقصیر صدمه می بینند. هنگامی که کنوانسیون حقوق کودک در اول ژانویه ۲۰۲۰ به قانون سوئد تبدیل شد، در یک بیانیه به نارسائی های آن اشاره کردیم که چندین مقام، از جمله "سازمان نجات کودکان"، اظهار داشته اند: "حق آزادی مذهب در صورتی انجام می شود که کودک به سن بلوغ رسیده باشد تا بتواند خودش نظر بدهد" و نماینده سازمان کودکان بر این عقیده است که ختنه فقط زمانی انجام می شود که کودک بتواند رضایت آگاهانه بدهد. بسیاری متوجه شده اند که کنوانسیون حقوق کودک از نارسایی های جدی برخوردار است.

غانم می نویسد: "آزادی مذهب حق روزه داری در ماه رمضان را به کودکان می دهد." پرسش اساسی این است: از چه زمانی حق انتخاب برای کودکان اعمال می شود؟ کدام کودک ختنه شدن را انتخاب کرده است؟ کدام دخترها خواسته اند که مثله جنسی شوند؟ کدام دختران حجاب را به اختیار خود انتخاب کرده اند؟ کدام کودکان مدارس مذهبی را انتخاب کرده اند؟ یا ازدواج اجباری را انتخاب کرده اند؟ کدام کودکان، کار کودکان را انتخاب کرده اند؟...

کسانی که ادعا می کنند که موارد فوق "انتخاب دموکراتیک" خود کودک است ریاکارانی بیش نیستند

قضات را در کنار خود دارند و حتی نمونه هایی را جلوی چشم خود همین اخیرا شاهد بودیم که یک سیاستمدار جمهوری اسلامی و شهردار سابق تهران یعنی محمد علی نجفی همسر سابقش میترا استاد را در سال ۹۸ با گلوله به قتل میرساند و بعد طبق قانون اسلامی به قصاص محکومش می کنند و سپس خانواده مقتول زیر فشار مقامات حکومت از قصاص او در میگذرند و او اکنون آزاد میگردد. علاوه صدها و شاید هزاران کودک بدست حکومت اسلامی در ایران رسماً و علناً اعدام شده اند. در سوی دیگر دنیا واتیکان را داریم که خود یک محدوده دولتی مستقل محسوب میشود و در دست همان کشیشان تجاوزگر است و پلیس و قضات و دولتها اگر هم بخواهند اجازه دخالت در جنایات کشیشان و کاردینالها و پاپ و امثالهم را ندارند. واتیکان نقش اصلی را در پرده پوشی تجاوزات به کودکان و نجات کشیشان متجاوز از مجازات داشته است.

نتیجه همین میشود که هر روز از گوشه ای آثار یک فاجعه و یک جنایت عظیم بیرون میزند و مردم را شوکه میکند. تنها راه خلاصی بشریت از این جنایات و تجاوزات کوتاه کردن کامل دست این جرثومه تجاوز و فساد و تخریب از زندگی مردم است. میشود تصور کرد و امیدوار بود که ایران بعد از جمهوری اسلامی الگوی یک جامعه بدون دخالت مذهب و آخوند و کشیش را به بشریت عرضه نماید و سنگ بنای پایان دوران تجاوزات مذاهب را بطور واقعی بگذارد.

بحث و مجادله قرار گیرد. ما می گوئیم حقوق کودکان جهانشمول است و از این امر دفاع می کنیم. می گوئیم هر کس حق دارد آزادانه مذهب اسلام را ترک کند، به عنوان یک اکس مسلم آزاد باشد، بدون اینکه تحت تعقیب و آزار قرار گیرد. حق داشتن زندگی به عنوان یک همجنسگرا، حق جلوگیری از ازدواج اجباری و حق جلوگیری از سنتهای مضر. بنابراین "گارت اسلام هراسی" ریاکارانه را کنار بگذارید و بطور جدی پا به میدان نقد و بحث بگذارید تا در مورد جوانب منفی سنتهای اسلامی بحث و جدل کنیم از جمله مضرات جدی روزه داری برای کودکان.

اسلام، علیرغم تهدید "پلیس اسلامی"، برای همه، یک حق جهانشمول است. استراتژی اثبات شده "پلیس اسلامی" این است که منتقدان اسلامی را در هر زمینه ای به "اسلام هراسی" متهم کند. هدف از این اصطلاح "فوبیا" این است که منتقدان اسلام را متهم به هراس بیمارگونه کنند. بگویند این منتقدین حامل نفرت پراکنی اند. در صورتی که ما می خواهیم انتقاد از مذاهب بخصوص اسلام به عنوان یک امر مثبت در جامعه تکامل پیدا کند! بنابراین به جای این رفتار رقت انگیز و فاقد استدلال از خشونت های مذهبی، خرافات و سنتهای مضر به حال کودکان دست بردارید. ما حق داریم که بگوئیم، باید رویکردی فعال، آگاهانه و انتقادی نسبت به نرم های اسلامی داشته باشیم. باید تکلیف سنن قدیم و جدید اسلامی را روشن کرد. لازم است این سنتهای مضر به عنوان یک اشکال جدی مورد

و صلاحیت شرکت در مباحث حقوق کودکان و مبارزه علیه تبعیض را ندارند. وقتی خانم غانم از "تقص حقوق دموکراتیک" صحبت می کند، منظورش نه حقوق کودک، بلکه حقوق والدین است. خوشبختانه، تکامل رو به پیش جامعه از دوران پدرسالاری که زن و فرزندان جزء املاک مرد خانواده محسوب می شدند، گذشته است. این "پدرسالار" حق داشت در صورت تمایل آنها را به قربانگاه بفرستد. آنچه در این زمینه حقوق دموکراتیک والدین خوانده می شود، بقایای حقوق دوران قبیله ای و پدرسالاری است. اینها با پیشرفت های جامعه به تدریج از بین رفته اند. بله، حقوق والدین در رابطه با کودک محدود و مشروط به حقوق جهانشمول کودک است که در قانون تنظیم شده است. هیچکس، نه پدر و نه مادر و یا دیگری حق ندارد آزادی کودک را سلب کند. حق ندارند از آموزش رابطه جنسی و ورزش و زندگی اجتماعی جلوگیری کنند. هیچکس حق استفاده جنسی از کودک را ندارد. هیچکس حق سوء استفاده جسمی یا روحی از کودک را ندارد - حتی با مجوز "شرع مقدس اسلام". کودک آزادی، "حقوق دموکراتیک" هیچکسی نیست.

غانم از شدت بی استدلالی دست به دامن "اسلام هراسی" می شود. عبارتی غیر علمی و نژادپرستانه که برای ایجاد سکوت و نفرت پراکنی علیه منتقدان اسلام استفاده می شود. چرا که از نظر این نمایندگان، نباید اسلام مورد انتقاد قرار گیرد و هر کسی که این کار را انجام دهد به نفرت پراکنی متهم می شود. در صورتی که این خانم غانم است که دارد نفرت پراکنی می کند. من آشکارا گفته ام و هستم و برای حقوق کودکان می جنگم. من حق دارم که از نظر تئوری و عملی از اسلام به عنوان یک مذهب انتقاد کنم. حق انتقاد از مذهب و انتقاد از

کریم شاه محمدی

دبیر نهاد کودکان مقدمند

۳ ژوئن، ۲۰۲۱

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت روزه

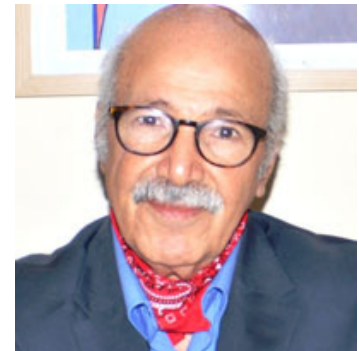
www.rowzane.com

اندیشه و سیاست

در این صفحه هر هفته متن یکی از بحث‌های صوتی پادکاست اندیشه و سیاست منتشر خواهد شد.

مدیر پادکاست: کاظم نیکخواه
لینک: andishevasiasat.podbean.com

خانواده و جایگاه و نقش آن در سیستم موجود



خانواده یکی از مقدسات و تابوهای موجود در جامعه کنونی است. زن و مرد بدون تشکیل خانواده نباید رابطه برقرار کنند. تمام اصول و مقررات خانواده از نظر سنتهای حاکم باید رعایت شود. به حریم خانواده نباید تجاوز کرد و در چارچوب خانواده مرد حاکم بلامنازع است. تشکیل خانواده یک هدف مهم هر جوانی در زندگی است. همه افراد بر اساس رابطه خانوادگی میزان احترام و منزلتشان تعیین میشود. و الی آخر. سوال اینست که خانواده چیست؟ چه مزایایی دارد؟ چرا اینقدر مهم است؟ چه اشکالی به خودش گرفته است؟ آیا همیشه به همین شکل بوده؟ ما کمونیستها در مورد خانواده و رابطه زن و مرد چه میگوییم؟

در دوره‌های طولانی چند هزار ساله‌ای در جوامع اولیه مردان و زنان به صورت آزاد و بدون قید و بند خانوادگی و بدون محدودیت با هم رابطه برقرار میکردند و خانواده معنایی نداشت. هر زنی مجاز بود که با هر مردی رابطه برقرار کند. این دوره خیلی زود به حاکمیت و برتری زنان شکل داد. چونکه وقتی که زنان با مردان متعددی رابطه داشتند بچه‌ها چه دختر و چه پسر مادرانشان معلوم بود اما پدرانشان معلوم نبودند. و در نتیجه به تدریج مادر به مرکز روابط اجتماعی آمد و نقش مهمی پیدا کرد. این دوره ای است که به آن

معمولا دوره مادر سالاری یا زن سالاری مینامند و هزاران سال در جوامع اولیه وجود داشت و هنوز هم در برخی جوامع دور افتاده ادامه دارد. هرکسی نسبت به مادرش ربط پیدا میکرد و حتی به اصطلاح نام خانوادگی او یا نام تیره او با نام مادرش بیان میشد و نه نام پدر.

بعدا مقررات و سنتهایی وارد این رابطه شد که ابتدا تشکیل نوعی خانواده همخون بود. یعنی پدر و مادر با فرزندان خود و با خواهران و برادران خود رابطه جنسی برقرار میکردند. این هم در دوره‌هایی از تاریخ بشر شکلی از مناسبات مرد و زن بود و رابطه خارج از مناسبات خونی عملا ممنوع بود. از گسترش خانواده همخون تیره‌ها شکل گرفتند که از چندین خانواده تشکیل میشدند. و این شکل از رابطه مدام گسترش می‌یافت. در این سنت افراد میبایست در تیره خود با جنس مخالف رابطه برقرار میکردند. با گذشت زمان این مناسبات جای خود را به رابطه غیر همخون داد. و یا بهتر است بگوییم رابطه غیر همخون غالب شد. یعنی در واقع در مدتهای مدیدی این دو شکل از رابطه هم خون و غیر هم خون در کنار هم وجود داشتند و با گذشت زمان و شاید به دلیل اینکه تیره‌های غیر همخون از سلامت و برتری فکری و جسمی بهتری برخوردار بودند توانستند سنت‌های خود را در همه جا بگسترانند. به این ترتیب رابطه با افراد همخون و با تیره همخون ممنوع شد.

کلا تا این دوره مفهوم خانواده معنی نداشت. بلکه مناسبات تیره‌ای و قبیله‌ای و خونی و غیر خونی بود. و محدوده‌ای بنام خانواده معنی نداشت.

با ایجاد جوامع طبقاتی کل این اوضاع عوض شد. با گسترش تولید که اساسا از تولید کشاورزی شروع شد مرد به تدریج در مناسبات اجتماعی جایگاه مهمتر و برجسته‌تری پیدا کرد و بالاخره به جایی میرسیم که دوره مادر سالاری پایان می‌یابد و خانواده مرد سالار میشود. شروع این دوره

را به شروع دوره‌ای که تولید اضافه بر مصرف ایجاد شد نسبت میدهند. یعنی انسانها علاوه بر مصرف شخصی چیزی برای تصاحب و مالکیت پیدا کردند. وجود مالکیت خصوصی بر محصولات به داشتن ثروت معنا داد. قبل از آن ثروت معنایی نداشت. هرچه تولید میشد مصرف میشد. اما با رشد بارآوری کار و ایجاد تولید اضافه بر مصرف، مالکیت خصوصی و در نتیجه ثروت معنا پیدا کرد. و در کنار آن همه سنتهای گذشته عوض شد. ثروت با خود مسئله ارث را مطرح کرد. یعنی انتقال ثروت به بازماندگان. این سوال مطرح شد که کسی که میمیرد ثروتش به چه کسی به کدام کودکان و به چه نسبتی باید تقسیم شود. اینجا مساله رابطه فرزندان با پدر و مادر معنای جدی‌تری پیدا کرد. قبل از آن کل فرزندان یک تیره یک جاهایی مردان مسن تر را پدران خود خطاب می‌کردند و زنان را مادران خود. و این مطلقا نبود. تفاوتی میان پسر یا دختر یک مرد با پسر یا دختر برادر یا خواهرش وجود نداشت. همه پسر و یا دختر خود او بودند. اینها را اینجا من خیلی گذرا دارم برای توجه دادن مطرح میکنم اما برای اینکه تصویر دقیقی‌تری داشته باشید توصیه میکنم کتاب منشا خانواده مالکیت خصوصی و دولت از فردریک انگلس را مطالعه کنید. نکات بسیار آموزنده و خوبی در این رابطه دارد.

مالکیت خصوصی در عین حال مساله تصاحب ثروت دیگران را مطرح کرد. جنگهای مختلف برای تصاحب ثروتهای دیگران به جریان افتاد. نهادی بنام دولت در این دوره شکل گرفت. دولتها برای حفظ ثروت و امتیازات یک بخش از جامعه که یک اقلیتی بودند که بتدریج از تصاحب محصول دیگران صاحب ثروتی شده بودند و مدام ثروت‌هایشان را افزایش میدادند، شکل گرفتند. یعنی با رشد تولید و ایجاد تولید اضافه کل سیمای اجتماعی عوض شد. خانواده هم همراه با این اوضاع در اکثر نقاط جهان عوض شد. خانواده‌های همخون و زن سالار و مادر

سالار جای خود را به خانواده مرد سالار داد. جایگاه زن و مادر در خانواده اقول کرد. مرد به حاکم خانواده تبدیل شد. از این دوره است که ما به خانواده تک همسر میرسیم که تقریبا همین شکل از خانواده است که ما الان شاهدش هستیم.

خانواده کنونی همانطور که در ابتدا اشاره کردم بنا به تعریف تک همسر است. اما خصوصیات این نوع خانواده فقط تک همسر بودن نیست که بعدا توضیح میدهم که این هم یک ریاکاری محض است. بلکه تشکیل خانواده با اجازه مذهب و سنت و دولت انجام میشود. یعنی ظاهر مساله اینست که یک رابطه داوطلبانه و خصوصی میان زن و مرد برقرار میشود. اما این رابطه تا آنجا که به مقررات خانواده مربوط میشود مطلقا داوطلبانه و خصوصی نیست. مذهب و آخوند و کلیسا و کلا مقامات مذهبی باید آن را تایید کنند. این رابطه باید با سنتهای رایج اجتماعی خوانایی داشته باشد و منطبق با سنتهای پذیرفته شده جوامع باشد. دولت و قوانین نیز در چگونگی رابطه زن و مرد دخالت میکنند و بدون اجازه و تایید آنها این ازدواج و تشکیل خانواده برسمیت شناخته نمیشود. بنابراین خانواده که ظاهرا با رابطه خصوصی یک زن و یک مرد تشکیل میشود یک سازمان کاملا از قیل تعریف و تعیین شده است که سه قدرت یعنی دولت و سنت و مذهب بر آن نظارت میکنند. و شما خارج از این چارچوب‌ها اجازه ندارید خصوصی شوید. و علاوه فاکتور مهم، فاکتور اقتصاد است. ثروت و فقر در اینکه دختران یا پسران با چه کسانی ازدواج کنند نقش تعیین کننده پیدا میکند. قشر صاحب ثروت در واقع دختران را به عنوان برده جنسی به تملک خودش در می‌آورد. حتی مالکان و فئودالها حق شب اول را برای خودشان دارند که با دختران قبل از نزدیکی با همسرشان باید با ارباب بخوابند حفظ میکردند. این رسم تا همین چند ده

ادامه از صفحه ۸

دهه پیش در ایران در سیستم فتودالی رایج بود و هنوز هم در یک جاهایی در دنیا رایج است. دخالت فاکتور اقتصاد در خانواده خیلی از ازدواج های کنونی را به نوعی تن فروشی و فحشاء پنهان تبدیل میکند. یعنی در خیلی موارد زنان و دختران بخاطر ثروت مردان به زندگی با آنها رضایت میدهند یا پدرانشان آنها را به این رابطه مجبور میکنند. حتی بعضا شاهد این هستیم که پول و ثروت باعث میشود که افراد دچار خود فریبی شوند و کسی را که مورد علاقه شان نیست مطلوب ببینند یا تصور کنند که از این نمونه بسیار در جامعه وجود دارند.

بنابراین دولت و سنت و اقتصاد و مذهب در تشکیل خانواده و رابطه مرد و زن دخالت مستقیم و تعیین کننده دارند. نتیجه اینکه خانواده کنونی تک همسر معرفی میشود. اما با کمی دقت روشن است که زن و مرد بطور واقعی تک همسر نیستند. بلکه این زن است که قرار است تک همسر یا تک شوهر باشد. مردان بنا به قوانین مذهبی و بنا به سنت همه جوامع بویژه در اسلام حق داشتن چند همسر را دارند. رابطه با زنان خارج از ازدواج برای مردان کاملا در جامعه میسر و امکان پذیر و رایج است. حتی برای مرد افتخار است که با زنان دیگری رابطه داشته باشد. مردان طبقه اشرافیت و صاحب ثروت امکانات استفاده از زنان متعددی را تحت عناوین مختلف داشته اند و دارند. در اسلام که مردان میتوانند با چندین زن رسماً رابطه داشته باشند و حتی تشکیل خانواده بدهند. ولی جدا از قوانین اسلامی سنتهای اجتماعی به مردان اجازه میدهد که با زنان دیگری رابطه داشته باشند و حتی رابطه خارج از ازدواج برای مردان افتخار و نشانه زرتگی و غیرت و مردانگی است. اما برای زنان رابطه خارج از ازدواج با مجازاتهای بسیار سنگینی تا حد مرگ پاسخ میگیرد. بنابراین اولین نکته ای که در مورد خانواده گفته میشود که تک همسری است حقیقت ندارد. این زن است

که در خانواده تک همسر است و نه مرد. تازه خود زنان هم علیرغم مجازاتهای سنگینی که برای رابطه خارج از ازدواج برایشان تعیین شده چون بدون تمایل و اراده خودشان وارد رابطه خانوادگی و ازدواج میشوند، مدام این مرزهای تعریف شده خانوادگی و سنتی را زیر پا میگذارند و با مردان دیگری رابطه برقرار میکنند. تن فروشی زنان در تمام جوامع به اشکال مختلف یک امر رایج است. ***

اساس خانواده تک همسر بر برتری مرد نهاده شده است. زنان و دختران بدون اراده و تصمیم خود توسط پدر یا بعضا برادران بزرگتر در ازاء مهریه یا پول و ثروتی، به مردی واگذار میشوند و محکوم به زندگی تحت انقیاد این مرد هستند. یعنی اراده و تصمیم گیری زنان در تشکیل خانواده اصلاً جایگاهی ندارد. همین امروز یعنی در قرن بیست و یکم هر روز صدها دختر و زن قربانی قتل‌های ناموسی میشوند. یعنی به دلیل پیروی نکردن از دستور پدر و برادر و رابطه برقرار کردن با مردان دلخواه خود به قتل میرسند. نتیجه اینکه در تشکیل خانواده تک همسر زن هیچ نقشی ندارد و باید مطیع فرمان مرد چه پدر و برادرانش و بعداً مطیع شوهر باشد. در درون خانواده زنان باید کار بی اجر و مزد خانه داری را انجام دهند، کودکان و مردان را نگهداری و ترو خشک کنند. لباسشویی و نظافت و تهیه غذا و نگهداری از کودکان همه بنا به تعریف به عهده زن است.

در عین حال این کارها شغل و کار حساب نمیشود. زنان مدام به دلیل اینکه در ایجاد درآمد برای خانواده نقشی ندارند و فقط خانه داری میکنند که کار و شغل طبیعی آنها تلقی میشود، سرکوفت می خورند و شون و مورد تعرض و توهین قرار میگیرند. بی حقوقی زنان در خانواده نیز اساساً از همین جا سر چشمه میگیرد. در صورتی که این قوانین و سنت خانواده و جامعه است که این

شغل شبانه روزی را برای زنان تعریف کرده است و زنان را محکوم به این کار کرده است.

زنان در خانواده ها به اشکال و درجات مختلفی شکنجه میشوند. زیر فشار مردان هستند. کتک میخورند مورد تجاوز قرار میگیرند و استثمار میشوند و همه اینها جزو امر خصوصی خانوادگی شان محسوب میشود و معمولاً کسی اجازه دخالت در آنرا ندارد. در روابط جنسی نیز زن مطیع و تحت انقیاد و فرمان مرد است و اراده ای برای تعیین شکل و زمان و چگونگی رابطه جنسی ندارد. هر وقت و به هر شکلی که مرد اراده کند باید تسلیم باشد. ***

زن در خانواده رسمی اساساً جنس فرودست و برده جنسی و پادوی مرد است. همانطور که اشاره شد در ضوابط و قوانین و سنتها در مورد خانواده شرط رضایت طرفین جایی ندارد و اتفاقاً نابرابری اساس آنست. برای نمونه در خانواده سنتی اسلامی زن نصف مرد ارث میبرد. حضانت و نگهداری فرزندان به عهده مرد است و تصمیم گیرنده در خانواده در مورد مسافرت، نقل و انتقال، خرید و فروش داراییها و غیره به عهده مرد است. در خانواده اسلامی که از سنت شرقی ریشه دارد و در دیگر ادیان نیز به درجه ای وجود دارد به زن دستور داده شده است که تسلیم شوهرش باشد و اوامر او را اطاعت کند. مرد موظف است نفقه یا خرج و مخارج خانواده را تأمین کند. به مرد فقط توصیه میشود که با زن با ملاطفت برخورد کند. حق طلاق با مرد است و زن حق طلاق ندارد. ***

با این توضیحات در مورد خانواده میرسیم به واقعیات جوامع کنونی. آنچه در مورد خانواده توضیح دادیم در واقع از تعاریف خانواده استنتاج میشود نه از واقعیت آن. در عمل با گذر زمان مردم خیلی از قوانین و سنتها را کنار زده اند. اکنون در خیلی از جوامع بویژه در غرب دختر و پسر و

یا زن و مرد داوطلبانه تصمیم میگیرند و با هم بطور غیر رسمی و بدون ازدواج رسمی و غیره زندگی میکنند و این رابطه توسط دولت و نهادهای رسمی هم برسمیت شناخته نمیشود. اما سیستم حاکم تلاش میکند نهاد خانواده را همچنان پا بر جا نگه دارد. در همین جوامع هم همچنان خانواده رسمی پابرجاست و کلیسا و دولت تلاش جدی ای دارند که نهاد خانواده با همان خصوصیات دخالت دولت و مذهب و سنت پا بر جا باقی بماند و ریشه کن نشود. این یک جنگ و کشاکش میان مردم و سنت و سیستم حاکم است. حتی در ایران تحت حکومت اسلامی هم علیرغم قوانین سختگیرانه اسلامی و مجازاتهای وحشیانه، روابط غیر رسمی زن و مرد تحت عنوان ازدواج سفید و غیره در حد وسیعی به جریان افتاده است. کلا در جامعه موجود یک کشاکش میان سنتهایی که در زمینه خانواده حاکم هستند و گرایش جوانان به گسستن قید و بندهای دست و پاگیر و غیر انسانی جریان دارد. ***

اما ما کمونیستها در مورد خانواده چه میگوییم؟ در جامعه کمونیستی سرنوشت خانواده به چه شکلی در می آید؟ این ها سوالاتی است که خیلی ها مطرح میکنند.

بطور خلاصه بگوییم که از نظر ما کمونیستها رابطه زن و مرد و کلا رابطه جنسی افراد امر خصوصی آنهاست. و دولت و نهادهای مذهبی مثل آخوند و مسجد و کلیسا و خاخم و غیره نباید مطلقاً در این رابطه دخالت کنند. نه فقط مذهب و دولت بلکه پدران و مادران نیز نباید این امکان را داشته باشند که دختران و پسران را ناچار به روابطی کنند که باب طبعشان نیست. رابطه عاطفی و جنسی افراد امر شخصی خود آنهاست و نه امر و مساله و حق و حقوق هیچ نهاد و شخص دیگری.

ما کمونیستها رابطه جنسی و عشقی و عاطفی افراد را امر خصوصی افراد می دانیم و هیچ نهاد و شخص و دولت و مذهبی

را مجاز نمی دانیم که در این رابطه دخالت کنند.

بعلاوه نکته ای که بسیار مهم است اینست که فاکتور اقتصادی در رابطه افراد نباید دخالت کند و این فقط در یک جامعه آزاد و مرفه و بدون استثمار امکان پذیر است که همان جامعه کمونیستی است. اگر فشار اقتصادی روی افراد نباشد کسی تن فروشی نمیکند، دختر و زن و مردی بخاطر فقر اقتصادی خود را در اختیار مرد و زنی قرار نمی دهند و از آن طرف قشر صاحب ثروتهای نجومی وجود ندارد که زنان و کودکان را خرید و فروش کند. در نتیجه فقط عشق و علاقه و عاطفه شخصی است که در رابطه افراد دخالت میکند و این رابطه به رابطه ای کاملاً داوطلبانه و سالم و انسانی تبدیل میشود.

ما الگویی برای خانواده را به کسی تحمیل نمیکنیم. اما تردیدی نداریم که در صورتی که زن و مرد بدون فشار اقتصادی، بدون فشار دولت، بدون فشار مذهب و سنت، در جامعه زندگی کنند کل جرائم و تن فروشی ها و فحشا و قاچاق جنسی و تجاوز و همه اینها پایان پیدا میکند و افراد فقط با عشق و علاقه است که در کنار هم زندگی میکنند و هر گاه که عشق و علاقه شان به هر دلیلی تمام شد بدون نگرانی اقتصادی و مذهبی و ترس از مذهب و دولت و سنت به رابطه شان پایان میدهند. این سالمترین و انسانیترین و برابر ترین رابطه میان انسانهاست و به کل فساد و فشارها و جنایات جنسیتی پایان خواهد داد.

در این حالت است که زن و مرد برابر و آزاد در یک مناسبات برابر و سالم با هم زندگی خواهند کرد. اگر بخواهیم اصطلاح و کلمه خانواده را بکار ببریم، خانواده تک همسر هم در این شرایط است که میتواند به طور واقعی و نه ظاهری شکل بگیرد.

جدائی مذهب از دولت یعنی برپیده شدن کل این بساط توحش از جامعه. باید دست مذهب را از حکومت و قوانین سیستم قضائی و حقوقی و اداری و سیستم آموزشی قطع کرد. دخالت مذهب در امور خصوصی ای نظیر ازدواج و طلاق و تولد و مرگ و مراسم ترحیم نباید به رسمیت شناخته شود و پیش شرط قانونیت یافتن این امور قرار بگیرد. در یک جامعه مدنی جایی برای قوانین مذهبی و سلطه فقه و شرعیات بر مقدرات مردم نیست. جامعه انسانی به مذهب رسمی احتیاجی ندارد و بیچ مذهبی نباید به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام شود.

دولت و قوانین باید نسبت به مذهب یا بی مذهبی شهروندان کاملاً کور باشد. همانطور که در مورد نژاد و رنگ پوست افراد چنین است. مذهب (و یا اللذمه) بیچکس نباید در اسناد دولتی و رسمی ذکر شود و بنای بیچ حق و یا محرومیت ویژه ای قرار بگیرد. در یک کلام باید مذهب از سیستم دولتی و آموزشی و قضائی و حقوقی در جامعه کنار زده شود و امر خصوصی شهروندان اعلام شود.

قسمتی از مقاله حمید تقوایی تحت عنوان خلع ید سیاسی از مذهب و ضرورت رنسانس سوسیالیستی - اوت ۲۰۰۸

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

عفو بین المللی خواهان آزادی برادران افکاری شد



سازمان عفو بین الملل با انتشار فراخوانی خواستار فشار جهانی بر مقامات جمهوری اسلامی از جمله رئیس قوه قضاییه برای آزادی حبیب و وحید افکاری شده است.

این سازمان حقوق بشری روز دوشنبه، ۱۷ خرداد ماه اعلام کرده است که حبیب و وحید افکاری باید تا زمان آزادی در شرایطی نگهداری شوند که با موازین بین المللی انطباق داشته باشد و به پزشک دسترسی داشته باشند.

متهم شدند. نوید افکاری، کشتی گیر ۲۷ ساله، با وجود اتهامات فراوانی که از سوی وکلایش اعلام شد و به رغم کارزار جهانی در مخالفت با اعدامش، ۲۲ شهریور ۹۹ اعدام و شبانه دفن شد. حبیب و وحید افکاری به ۵۴ سال و ۲۷ سال زندان محکوم شده‌اند.

منبع: رادیو فردا

وحید و حبیب افکاری به اتفاق برادرشان نوید افکاری، در جریان اعتراضات مرداد ۱۳۹۷ در شیراز بازداشت و به «محاربه» و قتل کارمند یک نهاد امنیتی

از آتش زدن بنر رئیسی تا مناظره های مضحکه انتخابات!

محمد شکوهی

بالای حکومت و حذف گسترده خودیهایش برای یکدست تر کردن نظام در برابر تعرض بعدی انقلاب مردم است. خامنه ای و کل نظام در سه سال گذشته دیده اند که اگر مردم به میدان بیایند خشت روی خشت حکومت نخواهد ماند. در دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ این را دیده و لمس کردند. نگران از تکرار مجدد اعتراضات سرنگونی طلبی مردم برای به زیر کشیدن کل نظام هستند.

یکدست کردن حکومت قرار است با رئیسی در راس دولت و ریاست جمهوری رژیم، نظام را بیمه کرده و کشتی به گل نشسته نظام را به ساحل نجات هدایت بکند. از «مرغ طوفان» برای نجات حکومت خبری نیست اما طوفان عظیم مردم در کمین نظام نشسته است.

های افشاگری باند های حکومتی از همدیگر و از کل نظام شده است. دزدان و آدمکشان دست همدیگر را رو می کنند. با نازل ترین ادبیات به صرافت گدایی رای از مردم افتاده اند.

اما واقعیت این است که خود حکومت هم می داند که تنور انتخاباتش گرم نمی شود. اساسا اینها نیازی به همان انتخابات نمایشی که در دهه های گذشته هم داشتند، ندارند. رای مردم هیچ موقع در این نظام و در تصمیم گیریها نقشی نداشته و مردم هم با دید و نگرش کاملا سیاسی به انحاء مختلف به حکومت و مضحکه های انتخاباتش، نه گفته اند. خامنه ای و بیت رهبری و سپاه پاسداران، پیشاپیش رئیسی مسئول دم و دستگاه آدمکشی رژیم را انتخاب کرده اند. امر خامنه ای و حکومت یکدست کردن

هیچ چیزی گویا تر از این تصویر نیست. تصویر به آتش کشیدن بنر تبلیغاتی رئیسی، یکی از کثیف ترین عناصر حکومت آدمکشان در میان شور و شوق جوانان و مردم عاصی از کل نظام، بیانگر خشم و نفرت عمیق و نه بزرگ مردم به کل مضحکه انتخابات حکومتی و کل نظام است. همزمان با اوج گیری مخالفت های علنی با این مضحکه و دست بالا پیدا کردن شعار رای بی رای و رای ما سرنگونی، حکومت دزدان و قاچاقچیان مشغول اجرای نمایشات مضحک مناظره کاندیداهای ریاست جمهوری اسلامی است. هفت جنایتکار، دزد و مرتجع را به تلویزیون آورده و «مناظره» به راه انداخته اند. مناظره ای که علیرغم تمام تلاش های دست اندرکاران برای کنترل آن و خارج نشدن از مسیر تعریف شده توسط بیت رهبری، تبدیل به صحنه



قانون، بازوی اعمال خشونت... سیستماتیک حکومتی علیه زنان هستند... و نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری که سالها با داغ مهر ارتجاع بر پیشانی، مهر سکوت بر لب زده بوده اند و اکنون برای جمع آوری رأی دست بر مطالبات زنان گذاشته اند... شدت یافته است.

غافل از اینکه زنان مبارز و آزادیخواه که، سالها شجاعانه بخش عظیمی از مبارزاتشان علیه حجاب و علیه وجود و نفس گشت ارشاد بوده است، تمام قد در مقابل کلیت جمهوری اسلامی ایستاده اند و تنها با سرنگونی این حکومت سرکوبگر، متوحش، متحجر و جنایتکار به آزادی و برابری و حقوق انسانی شان خواهند رسید و تا آن زمان دست از مبارزه بر نمی دارند.

از صفحه انقلاب زنانه

حسین رحیمی فرمانده انتظامی تهران بزرگ در خصوص اظهارات برخی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری درباره گشت ارشاد گفت «نمی توان با شئون اسلامی و اخلاقی جامعه، بازی کرد. این مسایل نباید برای جمع کردن رأی مورد استفاده قرار گیرد».

اخیرا عبدالناصر همتی نامزد ریاست جمهوری گفته بود به من تذکر می دهند که چرا می گویند پیامک حجاب به زنان ندهید. این نحوه برخورد گشت ارشاد را باید ممنوع کنیم. او در جریان مناظره ها نیز از نوع برخوردها با این مسئله انتقاد کرده بود.

جدال میان دست نشانده های جمهوری اسلامی؛ گشت ارشاد، گروهی از اوباشان حکومتی، که با وحشیگری و اعمال خشونت های جسمی، کلامی و روانی علیه زنان با پشتوانه



دسته اسلامی حزب الله ادامه داشته است. روز یکشنبه این هفته مردم معترض به ساختمان وزارت اقتصاد بعنوان یکی از سمبل های اقتصادی حاکم و فقر و محرومیت مردم حمله کردند.

اعتراضات مردم لبنان علیه حکومت این کشور ادامه دارد. در دو سال گذشته اعتراضات علیه سیستم مافیایی و دولت قومی - مذهبی، علیه گرانی، فقر و بیکاری و علیه دار و

اطلاعیه های حزب

International Day in
Support of Political Prisoners in Iran
روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

۲۰ June
۳ خرداد ۲۰۲۱

#دادخواهی

www.cfppi.org

به خانواده زندانیان سیاسی، مادران دادخواه و تمام فعالین حقوق انسانی به بیست ژوئن، روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی پیوندید

خورده است و سینه عزیزانتان را با گلوله شکافتند، در حمایت از زندانیان سیاسی، خانواده هایشان و حمایت از جنبش دادخواهی، همراه با ما کنفرانس آنلاین امسال، در سی خرداد برابر با بیست ژوئن را با موضوع دادخواهی دنبال کنید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان
سیلیسی

۱۷ خرداد - ۷ ژوئن ۲۰۲۱

از برگزاری تجمعات باشکوه و سراسری و برگزاری کنفرانسهای بین المللی، از همه شما عزیزان، خانواده زندانیان سیاسی و مادران دادخواه می خواهد که به هر طریق و شکل ممکن، با دادن پیامها، بیانیه ها و یا برگزاری مراسم و تجمعات به این روز پیوندید تا صدایمان را به گوش جهانیان برسانیم. این روز به همه شما تعلق دارد، همه شما کسانی که طی این سالها ترکه سرکوب، تهدید و زندان به تن نان

صف شده اند. این سطح از ضعف و استیصالشان به یمن مبارزات مردم در ایران به یمن مبارزه مادران دادخواه است که امروز به کمتر از سرنگونی رای نمیدهند. این پیروزی بر روی دوش شما همراه با دردها و زخمهایتان بدست آمده است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در یازدهمین سالروز روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده هایشان، پس

هزاران زندانی سیاسی در دهه شصت و پس از آن توسط جمهوری اسلامی بقتل رسید. این غم را باید به خشم و فریاد علیه قاتلین مردم تبدیل کرد. در آستانه مضحکه انتخاباتی هستیم. انتخاباتشان را در شرایطی برگزار میکنند که دیگر حتی جناح اصلاح طلبشان دردی از دردشان دوا نمیکند و بکارشان نمی آید. پیام مردم را شنیده اند و به همین دلیل برای نجات عمرشان یکبار چه پشت جناح ولایت فقیه به

در آستانه سی خرداد برابر با بیست و یکم روزی که پیوند مبارزه دو نسل علیه جمهوری جنایتکار اسلامی را جلوی چشم جهانیان گرفت.

در شرایطی به استقبال این روز می رویم که امروز ساسان نیک نفس زندانی بیمار به دلیل عدم آگاهانه دارو و درمان و بدنبال سیاست کثیف حذف فیزیکی زندانی سیاسی، جان باخت. ساسان مانند

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۳

اطلاعیه شماره ۱۱ کمپین دفاع از برادران افکاری

عفو بین الملل خواهان آزادی حبیب و وحید افکاری از زندان شد



و وحید و حبیب افکاری را آزاد کنند.

عفو بین الملل در فراخوانی که روز دوشنبه ۱۷ خرداد ماه (۷ ژوئن) منتشر کرد با اشاره رفتارهای بیرحمانه و ضدانسانی جمهوری اسلامی با وحید و حبیب افکاری از همگان خواست که با ارسال نامه اعتراضی به مقامات حکومت اسلامی خواهان آزادی این دو زندانی سیاسی شوند.

سازمان عفو بین الملل در فراخوانی که روز دوشنبه ۱۷ خرداد ماه (۷ ژوئن) منتشر کرد با اشاره رفتارهای بیرحمانه و ضدانسانی جمهوری اسلامی با وحید و حبیب افکاری از همگان خواست که با ارسال نامه اعتراضی به مقامات حکومت اسلامی خواهان آزادی این دو زندانی سیاسی شوند.

در این فراخوان آمده است که "وحید و حبیب افکاری از شهریور ماه ۱۳۹۹ در سلولهای انفرادی بدون پنجره محبوس بوده و از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی مناسب، هوای آزاد، تماس‌های تلفنی و ملاقات‌های حضوری با خانواده‌شان محروم شده‌اند."

عفو بین الملل در فراخوان خود با اشاره به اینکه پس از شرکت در اعتراض‌های سال ۹۷ مقام‌های ایران، برداران افکاری را خودسرانه دستگیر، شکنجه و زندانی کردند از مردم دعوت کرده با نوشتن نامه به مقام‌ها از جمله ابراهیم رئیسی بخواهند که برادران افکاری را آزاد کنند.

این سازمان، حبس برداران افکاری را از نظر قوانین بین‌المللی مصداق «بازداشت بی‌ضابطه» دانست و از مردم دعوت کرده در نامه‌های خود از مقام‌ها بخواهند ضمن «نقض احکام غیرمنصفانه»،

دانلود فایل پی‌دی‌اف فراخوان اقدام فوری عفو بین الملل به فارسی. https://t.me/Am-nesty_International/1981

۱۸ خرداد - ۱۴۰۰ ۸ ژوئن ۲۰۲۱
کمپین دفاع از برادران افکاری:

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
کمپین برای آزادی کارگران زندانی



این قانون غیر انسانی و ضد پناهندگی، پارلمان و دولت دانمارک را تحت فشار بگذارد و مانع اجرای آن گردد.

از مردم آزاده و انساندوست دانمارک، تمامی نهادها و ارگانهای مدافع حقوق پناهندگی می‌خواهیم که با اعتراض سراسری و وسیع خود اجرای چنین قوانینی را محکوم و متوقف کنند. نباید اجازه داد که دول اروپائی و پارلمان دانمارک با تصویب چنین قوانینی با جان و زندگی پناهجویانی که جرمشان فرار از جنگ و مصیبت است بازی کنند.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۴ ژوئن ۲۰۲۱

شرمی لایحه ضد پناهندگی که بازگرداندن پناهندگان را به تصویب می‌رساند.

پناهندگی جرم نیست! حق میلیونها مردم بی‌پناهی است که در اثر سرکوب سیاسی، جنگ و ناامنی، فقر و فلاکتی که عمده‌تاً توسط دخالت‌های همین دولتهای به ظاهر دمکرات ایجاد شده و ادامه می‌یابد، همه هست و نیست خود را از دست داده‌اند و به قیمت جان و زندگی خود و خانواده هایشان فقط به امید رسیدن به مکانی امن تمامی خطرات را به جان می‌خرند. با ورودشان به خاک اروپا با سد قوانین ضد بشری دولت‌های اروپائی مواجه می‌شوند.

پارلمان اتحادیه اروپا باید سریعاً برای ممانعت از اجرای

روز پنجشنبه ۳ ژوئن پارلمان دانمارک لایحه مهاجر ستیز اخراج پناهجویان را تصویب کرد. بر اساس این لایحه پناهجویانی که به دانمارک وارد می‌شوند به کشورهای غیر اروپائی یا به کشور مبدأ انتقال داده می‌شوند (اخراج می‌شوند).

این تصمیم پارلمان دانمارک با اعتراض کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و نهادهای غیردولتی مدافع حقوق پناهجویان روبرو شد.

خارجی ستیزی احزاب راست در پی وخامت بحران اقتصادی در اروپا و بویژه در دانمارک رشد و گسترش بیشتری یافته است. تا آنجا که پارلمان این کشور در پی تسلط چنین احزابی با وقاحت و بی

گزارشات تصویری از تجمعات روز شنبه ۵ ژوئن علیه مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی

گزارشات تصویری از تجمعات روز شنبه ۵ ژوئن علیه مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی. روز شنبه ۵ ژوئن برابر با ۱۵ خرداد ۱۴۰۰ طبق فراخوان قبلی در ۱۲ شهر تجمعات و آکسیونهایی علیه مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی برگزار شد. گزارشات تصویری و فیلمهای این تجمعات در شهرهای لندن، استکهلم، مالمو، گوتنبرگ، فرانکفورت، کاسل، برلین، وایمار، هانوفر، لاهه، ونکوور و تورنتو.

کانادا

دوبیلبورد در تورنتو علیه رژیم اسلامی در تقاطع یانگ و استیلز نصب گردید.

از طرف خانواده های قربانیان هواپیمای اوکرائینی و بنیاد مهر دو بیلبورد که اولی به یاد خانواده های قربانیان هواپیما و دومی در ارتباط با جنایت آبان ۹۸ می باشد، در تورنتو نصب گردیده است. اولین بیلبورد حاوی عکسی از شکبیا فقاھتی و راستین مقدم همسر و فرزند شاهین مقدم است و به یاد این دو عزیز و ۱۷۴ قربانی دیگر اشاره شده و اینکه کاری باید کرد. بیلبورد دوم شامل عکسی از پویا بختیاری و به یاد پویا و ۱۵۰۰ قربانی دیگر آبان ۹۸ می باشد. این بهترین مکان مناسبی هست که روزانه ده ها هزار ایرانی و کانادایی در کنار آن عبور خواهند کرد.

این دوبیلبورد نتیجه بیش از دو ماه تلاش و مبارزه این عزیزان بود برای انتخاب واژه های مناسب که از نظر حقوقی و قانونی در کانادا با مشکل مواجه نشود، و از طرفی مفهوم و منظور را نیز برساند. بیلبورد بعدی که با فراخوان بابک یزدی و همکاری شخصیت های خوشنام و قابل احترام در کانادا در حال تهیه می باشد، به زودی و در ادامه همین پروژه و در همین محل به احتزاز در خواهد آمد.



تورنتو



ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۴

هلند - لاهه



آلمان - فرانکفورت



آلمان - برلین

آلمان - کاسل



آلمان - وایمار



ادامه از صفحه ۱۵

سوئد - مالمو



سوئد - استکهلم



آلمان - هانوفر



سوئد - یوتبوری



انگلیس

رای مردم
سرنگونی است



ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۱۶

تجمع معلمان مدارس غیر انتفاعی در تهران، مریبان پیش دبستانی ایده و کارگران شهرداری کوت عبدالله

روز سه شنبه ۱۸ خرداد بار دیگر جمعی از معلمان مدارس غیرانتفاعی با خواست استخدام از سوی آموزش و پرورش مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند.

روز ۱۷ خرداد جمعی از مریبان پیش دبستانی شهرستان ایده با خواست استخدام در آموزش و پرورش مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع کنندگان که بارها بر سر این موضوع تجمع داشته اند با شعار "بسه دیگه وعده وعید، خسته شدیم" صدای اعتراضشان را بلند کردند. به گفته معلمان معترض آنها از مهرماه ۹۷ از سوی اداره آموزش و پرورش شهرستان ایده ابلاغ استخدام خود را به عنوان مربی پیش دبستانی دریافت کرده اند اما در طول این چند سال بصورت رایگان و با صرف هزینه های رفت و آمد، خطرات جاده و حوادث غیر مترقبه و بخصوص هزینه سنگین بیمه ناچار به کار بوده اند.

روز ۱۷ خرداد شمار زیادی از کارگران شهرداری کوت عبدالله با خواست آزادی همکاران بازداشتی خود مقابل دادگاه کارون تجمع کردند. در جریان اعتصاب کارگران شهرداری به خاطر تعویق پرداخت دستمزدهایشان در روز ۱۴ خرداد شماری از اعتصابیون بازداشت شدند. خواست کارگران آزادی فوری همکارانشان و پرداخت دستمزدهای معوقه چند ماه شان است. کارگران میگویند پیمانکار مزد ما را بالا میکشد و وقتی اعتراض میکنیم دستگیر میکنند

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ خرداد ۱۴۰۰، ۸ ژوئن ۲۰۲۱

فراخوان کارگران متروی هشتگرد به تجمع، اولتیماتوم کارگران رسمی نفت و چند خبر دیگر

کارگران و کارکنان مترو هشتگرد گلشهر در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماهه مزد و حق بیمه و قراردادهای برده وار موقت کاری برای روز ۲۲ خرداد با تاکید بر همراه داشتن ماسک به تجمع در مقابل ایستگاه و مدیریت فراخوان داده اند.

کارگران رسمی نفت به دنبال تجمعات اعتراضی بیستم اردیبهشت و پنجم خرداد ماه، اولتیماتوم داده اند که اگر مطالبات آنها تا اول تیر پاسخ نگیرد در نهم تیر تجمع خواهند کرد. اعتراض آنان به نحوه افزایشات مزدی سال ۱۴۰۰، تحمیل مالیات های سنگین، عدم ایمنی محیط کار و فشار سنگین کاری و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خریدشان است. کارگران غیر رسمی نفت نیز از اعتراضات همکار رسمی خود پشتیبانی کرده و بر خواسته های خود که مطالبات مشترک همه کارگران نفت است از جمله کوتاه شده دست پیمانکاران، لغو قوانین ویژه مناطق اقتصادی، افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون، بالا بردن استانداردهای درمانی، بهداشتی و زیستی و شغلی در همه مراکز نفتی، پایان دادن به امنیتی کردن محیط های کار و حق تشکل، تجمع و اعتراض تاکید کرده اند. اعتراض در میان کارگران نفت گسترده است.

روز چهارشنبه ۱۹ خردادماه گروهی از کارگران شرکت لوله سازی اهواز، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان در مقابل ساختمان استانداری، دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران خواهان شفاف سازی شرایط شرکت یعنی اختلاس های پشت پرده که کارخانه را به تعطیلی کشانده است و

احیای دوباره خطوط تولید و بازگشت به کار کارگران اخراجی هستند.

روز چهارشنبه ۱۹ خرداد، جمعی از کارکنان پایگاههای سلامت در مقابل وزارت بهداشت در تهران در اعتراض به سطح نازل حقوق هایشان دست به تجمع زدند. در این حرکت اعتراضی تجمع کنندگان شعار میدادند: «وزیر بهداشت کجاست... پایه هامون رو هواست». تجمع کنندگان همچنین با بنری که بر روی آن نوشته شده بود «اعتراض به حقوق زیر ۳ میلیون تومان» اعتراض خود را به حقوقهای چند بار زیر خط فقر اعلام داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ خرداد ۱۴۰۰، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۱

جمهوری اسلامی و باند خلع ید شده اسدبیگی در ستیز با کارگران نیشکر هفت تپه

به دنبال پیروزی کارگران نیشکر هفت تپه در خلع ید از اسدبیگی، جمهوری اسلامی و باند مافیایی خلع ید شده اسدبیگی به سختی در تقیای گرفتن انتقام از کارگران و به نابودی کشاندن نیشکر هفت تپه هستند. کاهش هشتاد درصدی حقایق، نپرداخت دستمزدها از آغاز سال جاری تا کنون، امنیتی کردن محیط شرکت و حتی تهدیدات جانی کارگران اقداماتی در این جهت است. تا جایی که کارگران نسبت به این اقدامات تروریستی اعلام خطر کرده اند.

در همین راستا آخرین اقدام دارو دسته های گمارده شده از سوی اسدبیگی ضرب و شتم خنیفر و چاقو زدن به یکی دیگر از کارگران این شرکت به اسم منصور است که همچنان در بیمارستان بسر میبرد. و هنگامی که محمد خنیفر به پاسگاه مراجعه میکند، به جای

جهت تثبیت این خواسته و جهت رساندن صدای رسای کارگران به جامعه، اعلام رسمی و علنی اسامی نمایندگان منتخب کارگران

بعنوان شورای واقعی نیشکر هفت تپه است. در کنار آن کارگران نیشکر هفت تپه باید صف خود را از کسانی چون محمد خنیفر و مسلم چشمه خاور که کارشان به حضور در ستاد رئیسی کشیده شده جدا کنند و این را رسماً و علناً از سوی شورای واقعی خود اعلام کنند و اجازه ندهند که چنین تقلابهایی بر مبارزات درخشان کارگران نیشکر هفت تپه سایه بیندازد. کارگران نیشکر هفت تپه پنج سال است بدون نوسان بر خواسته های بحق خود با فشاری کرده اند و جدال باشکوهی را به پیش برده اند و همراهی و حمایت بخشهای مختلف کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان در سراسر کشور و همچنین همبستگی بین المللی کارگری را با خود دارند. در مقابله با دسیسه های کنونی نیز کارگران هفت تپه با اتکا به همین همبستگی گسترده سراسری و جهانی میتوانند پیروز شوند به شرطی که اجازه ندهند که اعتبار آنها به دستمایه بازیهای جناحی حکومتیان تبدیل شود.

مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه در مقطع حساسی قرار گرفته است. وضعیت در این شرکت اضطراری است. امروز کارگران نیشکر هفت تپه به بیشترین حمایت مردمی نیاز دارند.

پیش بسوی اعتصابات
سراسری

حزب کمونیست کارگری
ایران
۱۷ خرداد ۱۴۰۰، ۷ ژوئن
۲۰۲۱

ضاربین چاقو او و دو نفر دیگر از کارگران دستگیر میشوند که بعد از اعتراض کارگران از بازداشت آزاد شدند.

در این حرکت گستاخانه، مزدوران اسدبیگی، شرکت خنیفر و مسلم چشمه خاور در ستاد رئیسی جلاد را بهانه و در واقع آنرا فرصتی دیدند که با چنین ترفندهایی فضای هفت تپه را متشنج کنند. اما کارگران نیشکر هفت تپه هوشیارانه ایستاده و چاقو کشی و قلدر بازی مزدوران اسدبیگی و همدستی پاسگاه هفت تپه با آنان را محکوم کرده و اعلام کرده اند که اجازه نمیدهند هفت تپه به محل یکه تازی گماردگان اسدبیگی و حکومتیان تبدیل شود. در پاسخ به مضحکه انتخابات نیز کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که انتخاب آنها تجمع در مقابل فرمانداری در اعتراض به سه قوه و پیگیری خواسته هایشان از جمله دو خواست اضطراری حقایق و دستمزدهایشان است.

حزب کمونیست کارگری چاقو کشی علیه کارگران و ضرب و شتم آنان را بشدت محکوم می کند و آن را تعرضی از جانب حکومت و دارودسته اسدبیگی علیه کارگران نیشکر هفت تپه و در جهت به تشنج در آوردن این شرکت میداند.

هفت تپه یک سنگر مهم جنبش کارگری است و نباید اجازه داد که چنین تشبثاتی باعث خدشه دار شدن دستاوردهای بزرگ این کانون داغ اعتراضات کارگری گردد.

کارگران نیشکر هفت تپه بر گسیل یک نفر از سوی دولت و نظارت این شرکت تحت نظارت شورایی تاکید دارند. یک قدم عملی در

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

تویتر: twitter.com/workercommunist

شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۶۷۴۲۵